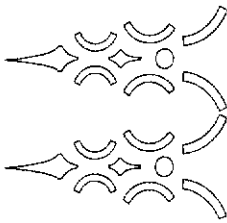
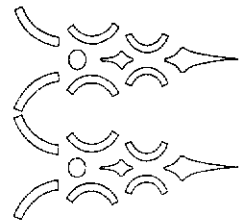


جایگاه تفسیر



شاهدرواؤ آیت الله سید مصطفی خمینی (ره)



بهاء الدین خرمشاهی

در یک تقسیم بندی کلی، تفسیرهای قرآن مجید به دو شاخهٔ عقلی (درایی)، و روایی (نقلی، اثری، مأثور) تقسیم می‌گردد. تفسیر عقلی خود دارای انواع علمی، فلسفی، عرفانی و کلامی است. از هر یک از انواع تفاسیری که اشاره کردیم مثالی می‌زنیم. تفسیر طبری (جامع البیان) یکی از عمده‌ترین و جامع‌ترین و قدیم‌ترین تفسیرهای نقلی است که عمدتاً از احادیث تفسیری فراهم آمده است. تفسیر طنطاوی نمونهٔ مشهور تفسیر علمی است. تفسیرهای کوتاه ابن سینا و ملاصدرا نمونه‌های عالی تفسیر فلسفی است. تفسیر عرفانی خود سه نوع دارد. الف) تفسیر عرفانی عاشقانه و پارسایانه که مبتنی بر شرح و بیان حب الهی و زهد و پارسایی است. قدیمی‌ترین این نوع تفاسیر عبارت‌اند از: تفسیر منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام که پل نوپا آنها را کهنترین تفسیر موجود عرفانی می‌داند.



(تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، نوشته پل نوپا، ترجمه اسماعیل سعادت، ص هشت، و سراسر فصل دوم)

اگر بخواهیم از این نوع تفسیر عرفانی اصیل و پارسایانه قرون اولیه تفسیر نگاری قرآن مثال های بیشتری بزنیم، باید از تفسیر ابن عطاء، تفسیر ابوالحسن نوری، تفسیر حسین بن منصور حلاج و حقائق التفسیر ابوعبدالرحمن سلمی یاد کنیم (مجموعه آثار ابوعبدالرحمن سلمی، در دو مجلد، گردآوری دکتر نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ - ۱۳۷۲). تفسیر سهل تستری (چاپ قاهره ۱۳۲۹ هـ ق) تفسیر سفیان ثوری، تفسیر لطائف الاشارات ابوالقاسم قشیری و سرانجام تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار میبدی از همین نوع تفاسیر عرفانی است.

ب) تفسیر عرفانی بر وفق مکتب عرفان نظری که عرفان حکمی - فلسفی است و اوجش را در آثار تفسیری و عرفانی ابن عربی طی کرده است و در جهان اسلام در عالم تشیع هم انعکاس و ادامه شایانی یافته است، چنانکه بر فصوص الحکم، که یکی از دو اثر مهم ابن عربی است، بیش از یکصد شرح نگاشته اند و دامنه تأثیر دراز آهنگ این مکتب عرفانی و تفسیری تا عصر جدید هم کشیده شده است چنانکه امام خمینی - اعلی الله مقامه الشریف - نیز از شارحان و سخنگویان همین مکتب است و در تفسیر فرزند گرانقدر ایشان مرحوم آیت الله سید مصطفی خمینی - رحمة الله تعالی - نیز بازتاب آرا، و نظریه ها و اصطلاحات عرفانی - حکمی ابن عربی و مکتب ارجمند او را می توان مشاهده کرد.

پ) تفسیر عرفانی - فلسفی - کلامی که آثار تفسیری صدر المتألهین و سید حیدر آملی (که خوشبختانه تفسیر گرانسنگ او اخیراً با تحقیق عالمانه جناب سید محسن موسوی تبریزی به طبع رسیده و راقم این سطور نیز نقد و نظری درباره آن در یکی از شماره های پیشین بینات نگاشته است) و تفسیر روح البیان اسماعیل حقی و تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان اثر نظام الدین نیشابوری، و تفسیر بیان السعاده سلطان علی شاه گنابادی نمونه های عالی این نوع تفسیر مزجی عقلی هستند. در تعیین جایگاه



تفسیر مرحوم آیت الله سید مصطفی خمینی باید گفت که متعلق به همین گروه از تفاسیر است.

اما تفسیر کلامی محض هم در تاریخ ۱۲ - ۱۴ قرنۀ تفسیر قرآن بسیار است، از جمله **مفاتیح الغیب** یا تفسیر کبیر اثر امام فخر رازی (کلام اشعری)، تفسیر **کشاف** زمخشری (کلام معتزلی)؛ تفسیر ابوبکر عتیق سور آبادی (کلام کرامی)، تفسیرهای پراکنده و غیر مدون، باطنیه (کلام اسماعیلی)، **فیض القدیر** (اثر شوکانی، کلام زیدی) و تفاسیر فرقه های غرابت گرا و تکرو و بدعتگری چون حروفیه، بابیه، بهائیه، شیخیه، احمدیه (قادیانیه) و فرقه های دیگر.

تفسیر مرحوم آیت الله سید مصطفی خمینی از تفاسیر مبسوط و مفصل قرآن کریم به شمار می آید، اگر چه فقط شامل تفسیر سوره حمد و ۴۶ آیه اول از سوره بقره است، ولی این پنجاه و سه آیه را در ۴ مجلد شرح و تفسیر کرده است. یعنی در حجمی نزدیک به دو هزار صفحه در قطع وزیری.

مؤلف دانشور، نگارش این اثر را قبل از سال ۱۳۹۰ هـ ق آغاز کرده بوده است. زیرا در جایی از تفسیر تصریح دارد که مباحث بسمله را در شب سه شنبه ۱۴ صفر ۱۳۹۰ به پایان رسانده است و در این هنگام چهل ساله بوده است. تاریخ پایان مجلد چهارم جمادی الاول ۱۳۹۷ هـ ق است. این تفسیر پس از در گذشت شهادت گونه مؤلف، با همت والای آقای محمد سجّادی اصفهانی تصحیح و طبع گردیده است.

بعضی حذف ها و اغلاط مطبعی در کار دیده می شود، بی آنکه بخواهیم از اجر و زحمت فوق الطاقه مصحح محترم بکاهیم باید عرض کنیم که متأسفانه اغلاط مطبعی در این چاپ که توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد به طبع رسیده است، فراوان است (کما بیش یک دو غلط در هر صفحه). و این طبعاً تجدید چاپ و بلکه حروفچینی این اثر را ایجاب می کند و به قرار اطلاع مؤسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی (ره) کمر همت به تجدید طبع این اثر بسته که ان شاء الله تا پایان ماه جاری و همزمان با مراسم

بزرگداشت آن دانشور قرآن شناس عالی مقام انتشار خواهد یافت. تبویب و تنظیم این تفسیر بسیار روشن است و ذیل سرعنوان های متعدد، بحث های مستقل و در عین حال مربوط به هر گروه از آیات آمده است. این سرعنوان ها عبارت اند از: لغت، صرف و نحو، خط و رسم الخط، فقه، علم معانی و به طور کلی علوم بلاغی، تجوید و قرائت، علم الاسماء و عرفان، علم عروض (در بعضی موارد) علم اعداد و اوقاف، حکمت و فلسفه، اخلاق و نصیحت، تفسیر و تأویل بر وفق مسالک و مشارب مختلف.

مؤلف در سراسر کتاب به امهات متون تفسیری فریقین و آثار قرآن پژوهی قدیم و جدید استناد و از آنها نقل می کند. در لغت به مفردات راغب اصفهانی، لسان العرب، قاموس، تاج العروس و اقرب الموارد رجوع کرده است. در احادیث به آثار شیخ صدوق و عوالی اللئالی، از تفسیرهای اهل سنت به تفسیرهای ابن عطیه، ابوحیان، کشاف، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر فخر رازی) قرطبی، جلالین، درالمنثور سیوطی و روح المعانی آلوسی بیش از سایر تفاسیر مراجعه شده است. در نحو و اعراب غالباً آراء سیبویه، فرّاء و کسایی نقل شده است.

چند نکته

همچنین در سراسر تفسیر با اشعار فارسی از شاعران عارفی چون سنایا، مولوی، حافظ، شیخ محمود شبستری و فروغی بسطامی بر می خوریم. گفتنی است که در نقل بعضی اشعار اشتباهاتی دیده می شود که سزاوار بود به هنگام تصحیح و ویرایش و آماده سازی اصلاح می شد. از جمله این شعر حافظ:

عنقا شکار کس نشود دام باز چین

کانجا همیشه باد به دستت دام را

در چند مورد به این شکل نقل شده است:

عنقا شکار کس نشود دام باز گیر

کانجا هزار دام به دستت باد را

در حالی که قافیه غزل دام / بام / مقام / جام و نظایر این است به مطلع :
صوفی بیا که آینه صافیست جام را (صفحات ۸۴ جلد اول، همچنین ۵۰ و ۲۸۱ جلد دوم
تفسیر).

یا در نقل این شعر حافظ:

پای ما لنگست و منزل بس دراز

دست ما کوتاه و خرما بر نخیل

جای دو مصراع عوض شده است (ج ۲، ص ۲۷)

یا همچنین این بیت که قایل آن بر بنده معلوم نیست نقل شده است:

همه عالم صدای نغمه اوست

که بشنید این چنین آوای دراز

(ج ۴ ص ۲۳۷)

که مصراع دوم از وزن خارج است و کما بیش باید به این صورت
باشد: که شنید این چنین صدای دراز.

در پایان برای حسن ختام به چند قول تفسیری یا تأویلی یا

حکمی مؤلف اشاره می شود.

۱. مؤلف در تفسیر آیه «اهدنا الصراط المستقیم» این معنای مشهور را

که صراط پلی کشیده بر روی جهنم باشد نفی می کند و تأویلاً مراد

از صراط را الف) ائمه اطهار (ع) ب) امیرالمؤمنین علی (ع) پ) امام

زمان (عج) می داند (تفسیر ج ۱، ص ۴۳۲؛ ج ۲، ص ۲۲).

۲. مراد از «غیب» را در «الذین یؤمنون بالغیب» چند وجه و در یکی از

وجوه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گیرد.

۳. مؤلف قاعده معروف حکمی الواحد را که الواحد لا یدر عنه الاّ

الواحد (از ذات واحد جز واحد صادر نگردد) که ارج و اعتبار هزار

ساله دارد. انکار می کند و بر آن است که به شهادت قرآن کریم

از ذات واحد و بسیط الهی هزاران فعل سر زده است و می زند. (ج ۲،

ص ۳۲۵)